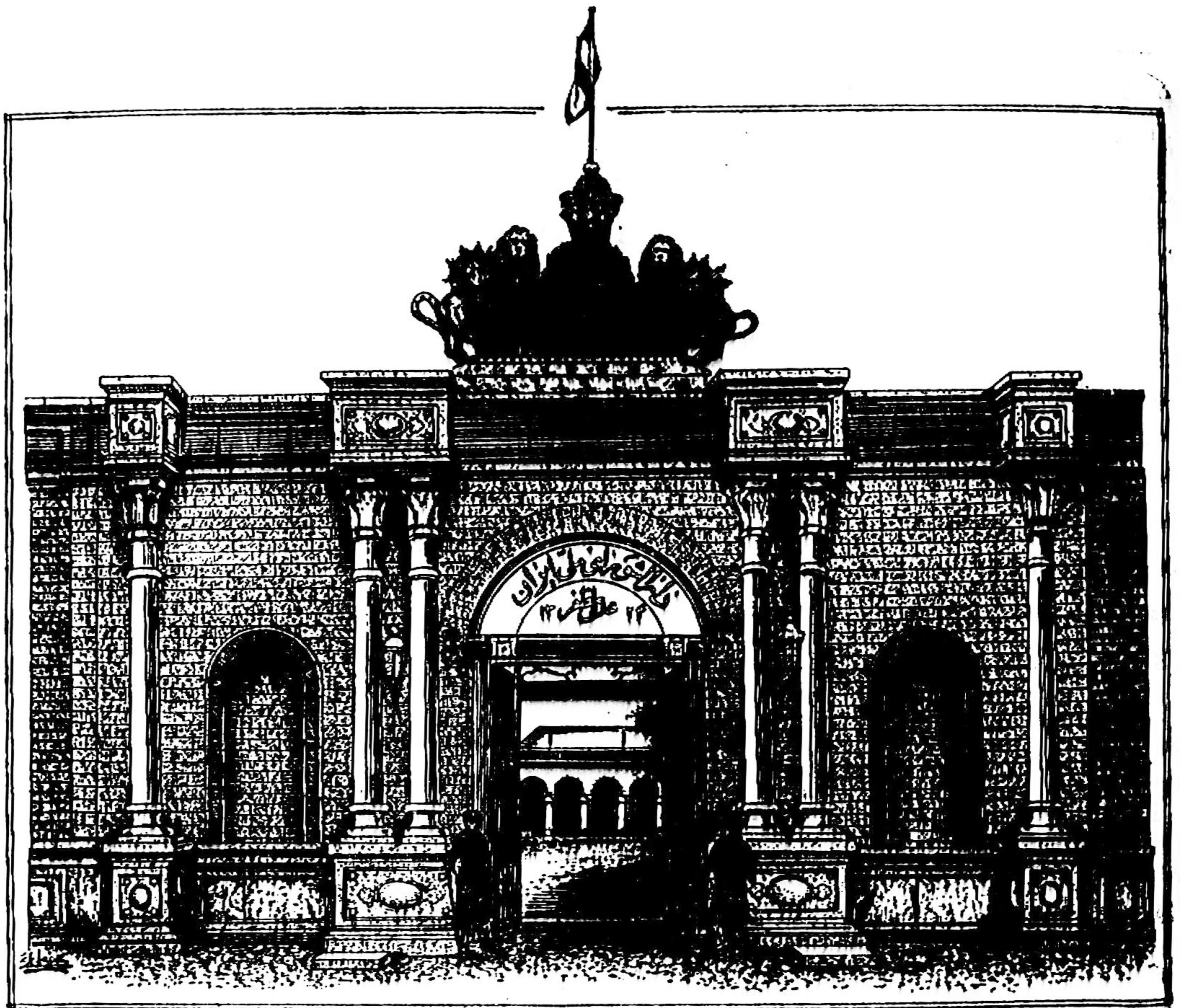


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۹۴</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۵۹</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یکشنبه ۲۴ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۱ رجب المرجب ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبوعه مجلس</p>	<p>قیمت اشتراک داخله ایران سالیانه ده تومان خارجی دوازده تومان شماره</p>





# مذاکرات مجلس

## دوره شانزدهم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يكشنبه ۲۴ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۱ رجب المرجب ۱۳۴۶

### جلسه ۱۹۴

غائبین با اجازه جلسه قبل  
 آقایان : روحی - جمشیدی مازندرانی - ذوالقدر -  
 حاج میرزا حبیب الله امین - اسفندیاری - دشتی - دادگر  
 فرمند - لبقوایی - عدل - میزا ابراهیم اشتیانی -

( مجلس دو ساعت قبل از ظهر برپاست  
 آقای پیرنیا تشکیل کردید )  
 ( صورت مجلس یوم شنبه ۲۳ دیماه  
 را آقای نگهبان قرائت نمودند )

دکتر لقمان

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان : حاج علی اکبر امین - محمدولیخان اسدی - مرتضی قلیخان بیات - امام جمعه شیراز - اعظمی - نظام مافی - آقاعلی زارع - حاج شیخ بیات - حاج حسن آقا ملک - بنی سلیمان - میرزا حسن خان وثوق - حاج غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان : ایلخان - آقا سید کاظم زدی - خلیلی - نجوی - بالیزی - دبران بیکی - افخمی

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان : شریعت زاده - قوام شیرازی - مهدوی - امیر تیمور کلالی - بجی خان زنکنه

رئیس - آقای کلالی

امیر تیمور کلالی - بنده را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه در روز از اول جلسه حاضر بوده ام

رئیس - لایحه اختیارات رئیس کل مالیه مطرح است در جلسه قبل بنا بود رأی گرفته شود به کفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - اکثریت است پیشنهادها قرائت میشود (بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد آقای مدرس

پیشنهاد میکنم بجای تبصره کمیسیون نوشته شود تبصره - دولت مجبور است قبل از انقضاء مدت فوق استخدام خزانه داری را تمام کرده مشغول کار شود و پس از اشتغال خزانه داری اختیارات رئیس مالیه ملغی خواهد بود مدرس - این تبصره که نوشته اند مثل آن وعده هائی است که ابتدا میدادند که ما اول متخصص میاوریم نظیر آن وعده ها است لهذا بنده تغییر عبارت دادم که وعده خالی نباشد حتما

بپرداز پس این پیشنهاد باید بماند برای وقتی که آن لایحه مطرح میشود و آن وقت در آن قانون پیشنهاد میکنیم که دولت مکلف است در عرض سه ماه متخصصین را حاضر بکند و جایش اینجا نیست

رئیس - رای گرفته می شود به قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد . پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقا سید یعقوب - بنده استرداد میکنم رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده (اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در تبصره ماده واحده بجای خزانه دار نوشته شود متخصص مالی

احتشام زاده - این پیشنهاد بنده مقصود تبصره است که در لایحه دولت بوده است ولی حالا با آن تبصره که آقای مدرس فرمودند و قابل توجه شد بنده استرداد میکنم مقصودم این است که اختیاراتی که در ضمن این لایحه نوشته شده است و از طرف دولت این اختیارات را برای خزانه دار قائل شده اند ممکن است در مجلس تغییر پیدا بکند و این اختیارات را منوجه به رئیس کل مالیه یا بگنفر دیگر بکنند به این جهت بنده معتقد هستم که نوشته شود متخصص مالی چون اگر این اختیارات به خزانه دار داده شود باز این که شامل حال او ، و اگر به رئیس کل مالیه این اختیارات داده شود باز این عبارت شامل حال او هم هست این است که بنده پیشنهاد کردم که بجای خزانه دار نوشته شود متخصص مالی

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده هیچ ملتفت نشدم که با آقای احتشام زاده (جسارت میکنم) لایحه را مطالعه نفرموده باشند آقا این مسئله را جمع به خزانه دار است که در

عزل و نصب و ترقی و تنزل و جمع و خرج اختیاراتی دارد متخصص مالی مشاور علمی است و برای این است که در مسائل علمی به او رجوع شود ربطی به این چیزها ندارد و بنده ناچارم این لایحه را بدو خدمت شما نگاه کنید

رئیس - رأی میکنیم به این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . ماده واحده با پیشنهاد آقای مدرس قرائت میشود و رأی گرفته میشود (ماده واحده بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی از تاریخ ششم دیماه ناسه ماه دیگر مدلول قانون ۲۵ مهرماه ۱۳۰۶ را که بموجب آن اختیارات مندرجه در قانون اسد ۱۳۰۱ به آقای مهدیقلیخان هدایت رئیس الوزراء واگذار شده بود تمدید مینماید

تبصره - دولت مکلف است قبل از انقضاء مدت فوق استخدام خزانه داری را تمام کرده مشغول کار شود و پس از اشتغال خزانه داری اختیارات رئیس کل مالیه ملغی خواهد بود

رئیس - رأی میکنیم بماده واحده باین تبصره آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . بنا بود بعد از این لایحه لایحه متخصص مالی مطرح شود لیکن آقای دهستان پیشنهاد کرده اند لایحه خالصجات انتقالی مطرح شود . آقای دهستان .

دهستان - چون لایحه متخصص مالی را خود بنده هم مقدم میدانم از این جهت استدعا میکنم پیشنهاد بنده بعد از این لایحه مطرح شود

رئیس - پیشنهاد آقای ثابت

(اینطور خوانده شد)

نظر باینکه بلديه مؤسسه ایست ملی و نمایندگان  
نمونه دار تأسیس و تشدید آن هستند از اینجهت اینجانب  
پیشنهاد مینماید که لایحه بلديه که از شور دوم آن چند  
ماده پیش باقی نمانده در درجه دوم دستور امروز قرار داده  
شود که اهالی شهرها بانوجهات نمایندگان دارای مؤسسه  
ملی شده و آسوده شوند

رئیس -- آقای نابت

نابت -- بنده تصور می کنم تمام آقابالیکه از ولایات  
وکیل شده اند میدانند احتیاج اهالی را نسبت به بلديه  
بعلاوه این بلديه يك مؤسسه ایست ملی که تقویت  
مشروطه را می کند بنده منتظر بودم که آن لایحه  
رئیس کل مالیه تمام شود و در درجه دوم آن لایحه  
جزر دستور شود استدعا میکنم آقبان توجه بفرمایند  
که این لایحه مطرح شود و این چند ماده تمام شود

رئیس -- آقای امیر حسینخان

امیر حسینخان ایلخان -- بنده تصور میکنم که آقای  
نابت پیشنهاد کرده اند که در درجه اول جزو دستور  
شود اگر چنانچه مراقبت بفرمایند که اول مسئله  
متخصص باشد بنده عرضی ندارم و موافقم ولی اگر  
چنانچه میفرمایند قبل از لایحه متخصص باشد بنده  
مخالفم در هر حال اگر چنانچه بعد از این لایحه باشد  
بنده هم قبول میکنم

رئیس -- مقصود درجه دوم است ؟

نابت -- بنده میخواستم در درجه اول یعنی قبل از  
لایحه راجع بر رئیس کل مالیه باشد چون دیدم آقبان  
موافقت ندارند از این جهت پیشنهاد کردم در درجه دوم  
باشد و حالا استدعا میکنم مطرح شود

رئیس -- رای میگیریم آقابالیکه تصویب می کنند  
قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. پیشنهاد آقای ارباب کبخرور  
نسبت به ماده اول لایحه متخصصین مالی قابل توجه شد  
اجازه میفرمائید سایر پیشنهاد هم مراجعه شود بکمیسیون  
(جمعی از نمایندگان صحیح است) ماده دوم مطرح است  
(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده دوم -- مجلس شورای ملی بدولت برای حقوق  
مخارج سالیانه متخصصین مزبور تا میزان شصت هزار  
تومان اعتبار میدهد بعلاوه دولت مجاز است تا منزل و  
انائیه مناسبی برای آنها تهیه یا معادل صدی پانزده  
حقوق هر کدام را برای تهیه منزل و انائیه به آن ها  
بپردازد.

رئیس -- آقای بامداد

بامداد -- با عطف به مراتب سابق باز نمایندگان محترم  
را توجه میدهم باینکه شصت هزار تومان دولت اعتبار  
خواسته است با مخارج منزل و سایر مخارج که اقلاروی  
هم رفته بصد هزار تومان میرسد این صد هزار تومان را  
وقتی میخواهیم تقسیم کنیم باین متخصص عالیمقام مالی  
و اقتصادی که از اتباع آلمان است اقلاسی هزار تومان  
میرسد چون درجه او عالی تر است. این سی هزار تومان  
را ما میدهیم برای چه. برای آن اصلی که آقبان مسبقند  
و آنطوریکه بنده حس میکنم فقط برای این لقب (متخصص  
عالی مقام مالی و اقتصادی) و بدبخوشی این لقب ماسی  
هزار تومان میدهیم و هیچ معلوم نیست که چه استفاده  
از وجود این شخص میکنیم معروف است که وقتی از  
قاضی قم شکایت کردند بصاحب ابن عباد وزیر فخرالدوله  
او در حاشیه باصطلاح خودشان توشیح کرد و نوشت  
ایها القاضي بقم قد عزلناک فقم بحض اینکه قاضی این  
را دید گفت قد عزلتني سجمه. این قافیه که درست  
آمده من را بد بخت کرده و الا من معزول نمیشدم -الام  
وقتی که ما ملاحظه میکنیم فقط میبینیم که يك لقب عالیمقام  
برای ما میباشد و سیهزار تومان در ازاء آن میدهیم و الا از

مذاکرانی که در اینجا شد و جوابهایی هم که داده شد بنده هیچ  
قانع نشدم که چه استفاده میکنیم و از این جهت است  
که بنده مخالفم مگر اینکه این قسمت را بردارند یا برای  
این متخصص يك قیودی قائل شوند که بتوانند از وجود  
این شخص استفاده کنند

مخبر -- بطور کلی مملکت باید از يك چیزهای خوب  
استفاده کند اگر حقیقه ما میخواهیم استفاده کنیم خود  
آقای بامداد هم تصدیق خواهند فرمود که از يك متخصص  
عالیمقامی ما برای کارهای مالی و اقتصادی خودمان می  
توانیم بیش از سالی سی هزار تومان استفاده کنیم و  
اگر هم نخواسته باشیم استفاده کنیم اسم و رسم واقتدار  
و قوه و اختیارات هرچه اینجا تصویب کنیم بالاخره  
آن موفقیت حاصل نمیشود بالاخره ما و ایشان وامثال  
ماها بایستی يك وسائلی بدست بیاوریم که مملکت بتواند  
از يك چیزهای خوبی استفاده کند. قدم اول این  
است و یکی از معایبی را که غالباً در استخدام متخصصین  
متوجه میشد این بود که بدون قید يك صفاتی ما مستخدمین  
را استخدام میکردیم بعد معلوم میشد که این متخصص  
که ما میخواستیم که در يك امری از او استفاده کنیم  
نیست و یا اساساً اطلاعی ندارد بالاخره سوء استفاده  
می کردیم و نتیجه هم نمی گرفتیم و البته وقتی که  
بنا شد ما در سال يك مبلغ زیادی بیک شخصی بدهیم  
باید عالی مقام باشد و از همین دو کله متخصص عالیمقام  
باید استفاده کنیم و البته باید مفهوم خارجی داشته  
باشد و با مصداق خودش تطبیق شود و باید دارای این  
دو صفت باشد وقتی يك کسی بیاید که دارای این دو صفت  
نباشد شما هر قدر اختیارات بار بدهید از او استفاده  
نخواهید کرد بنده و رفقای بنده و شاید بگمده دیگر هم  
دارای این عقیده باشند که ما اگر پول زیاد بدهیم و  
اشخاص عالی مقام بیاوریم بمنفعت مملکت تمام میشود  
الان این شخص که در اینجا هست بنده با بعضی از آقبان  
وزراء هم صحبت کرده ام که اگر این شخصی که فعلاً در

اینجا هست بهر قیمتی که تمام میشود ما اگر بتوانیم او  
را حاضر کنیم که در این مملکت بماند کاملاً بنفع مملکت  
است در هر صورت بنده تصور میکنم عین منظور آقای  
بامداد در اینجا بعمل آمده باشد که ما باید از يك اشخاص  
عالیمقامی استفاده کنیم

رئیس -- آقای تقی زاده

تقی زاده -- عرضی ندارم

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی -- بنده موافقم

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- بنده بارها عرض کرده ام که با  
استخدام خارجی تا این اندازه موافق نیستم هر چند  
يك کسی مرا ملامت میکرد و میگفت لازم است که ما  
بجهت تمام اداراتمان از خارجه متخصص بیاوریم بجهت  
این که يك مؤسسه رهنی درست کردیم يك رئیس که  
نمیدانیم کیست بالاخره هم بر ضرر این مؤسسه است و  
هم يك بد اخلاقیها در آنجا میشود حالا بنده غرضم  
این است این اندازه عقیده به استخدام خارجی نداریم  
آن هم با این حقوقهای به این گرانی وقتی هم که احتیاج  
داریم باید به اندازه کنجایش خودمان بیاوریم در اینجا  
دو نفر متخصص اولاً کافی بود و بنده يك پیشنهادی در  
این زمینه دادم و میدانم چه شد که خوانده نشد مقصودم این  
بود که بیک نفر رئیس کل و بیک نفر خزانه دار برای ما بس است و سایرین  
را میتوانیم از خودمان تهیه کنیم بشرطی که مجازات در  
مملکت باشد. اگر قانون مجازات در مملکت ما اجرا شد  
ما ابتدا محتاج با استخدام خارجی نیستیم اگر نشد که به  
چاروب کشی و فراشی هم محتاج بخارجه هستیم.  
حالا در اینجا شصت هزار تومان حقوق نوشته شده است  
برای این چهار نفر متخصص و چهل هزار تومان هم  
بنده قطع دارم که مخارج خانه و انائیه و اتومبیل خواهد  
شد که میشود صد هزار تومان در مدت دو سال دو بست

هزار تومان میشود حالا ما ببینیم از این دوست هزار تومان چه استفاده میکنیم. عایدات مملکت ما آن اندازه که مربوط بکمرک است که ربطی باین ها ندارد و بدون زحمت داده میشود و آن اندازه که مربوط به نفت است که چندان اهمیتی ندارد و در بعضی زمینیات دیگر هم که محتاج نیستیم بک جزئی باقی میماند که آن هم تقریباً چهار پنج ملیون میشود و بجهت این چهار پنج ملیون محتاج میشویم. متخصص خارجی پس اگر هم ما بخواهیم متخصص بیاوریم بایستی يك طوری باشد که مناسب باین چهار پنج ملیون باشد و بنده بهیچوجه عقیده ندارم که همه روزه با این حقوقهای گراف متخصص بیاوریم

رئیس -- ( خطاب به آقای فیروز آبادی ) پیشنهاد جناب عالی مفقود نشده جزء سایر پیشنهادات بکمسیون فرستاده شده

مخبر - راجع به مجازات بالاخره عقیده آقای بسیار عقیده خوبی است و بایستی قانون مجازات در این مملکت اجرا شود و از اشخاص خادم هم باید قدر شناسی کرد و این بهترین عقیده است که آقای دارند بنده هم کاملاً موافقم در هر موردی که صلاح میدانند پیشنهاد کنند طرح قانونی بدهند برای مجازات خائنین و قدر شناسی از خادمین و قانون مجازات عمومی هم هست و لازم است تذکر هم داده شود که دولت مواد آن را اجرا کند و اما راجع به حسابی که فرمودید لازم است تذکر بدهم که آقای قدری اشتباه کردید اگر عقیده آن این است که ما دوست هزار تومان خرج میکنیم عرض میکنم خیلی کمتر است زیرا حقوق اینها در سال شصت هزار تومان است و صدی پانزده شصت هزار تومان هم میشود نه هزار تومان و بالاخره بنده به آقای اطمینان میدهم که ابداً از این مبلغ تجاوز نخواهد کرد

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب  
آقا سید یعقوب - بنده موافقم  
رئیس -- آقای بدر

میرزا احمد خان بدر - عرض کنم که اشکال بنده در این ماده دوم است در این ماده مینویسد بعلاوه دولت مجاز است بامنزل و ائاثیه مناسبی برای آنها تهیه و با معادل صدی پانزده حقوق هر کدام را برای تهیه منزل و ائاثیه آنها بپردازد مستخدمین امریکائی که اینجا بودند برای آنها هم این قید بوده یعنی برای آنها هم تهیه ائاثیه و منزل شده است اگر علاوه بر آنها چیزی لازم است که باید اسم برده شود و اگر عیناً همان است که همان ائاثیه و منزل آنها را ممکن است به اینها بدهند و دیگر چیز تازه و جدیدی نباید برای اینها اضافه شود بالاخره اگر این صدی پانزده برای ائاثیه است که يك ائاثیه موجودی است و ممکن است باینها بدهند و این عبارت حذف شود

وزیر مالیه - علت ذکر این جمله در ماده برای این است که دولت بتواند از زمین ائاثیه و منزل هائی که هست باینها بدهد برای اینکه اگر ذکر نشود دولت این حق را نخواهد داشت و اینها باید از حقوق خودشان منزل و ائاثیه تهیه کنند و در این صورت از همان ائاثیه و منزل استفاده می کنند و این صدی پانزده که در اینجا نوشته شده است در صورتی است که آنها نخواهند بادولت بتواند پس بهر دو طرف این اختیار داده شده که اگر بخواهند صدی پانزده از حقوقشانرا بخودشان بدهند و تمام مخارج از حیث منزل و ائاثیه و سوخت و روشنائی و اتومبیل و غیره با خودشان باشد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
رئیس -- پیشنهادها قرائت میشود  
( اینطور خوانده شد )

پیشنهاد آقای احتشامزاده - بنده پیشنهاد میکنم در ماده دو عبارت ( با منزل و ائاثیه مناسبی برای آنها تهیه و ) حذف شود  
احتشامزاده - با توضیحی که آقای وزیر مالیه در اینخصوص دادند بنده صرف نظر میکنم

با کرایه کمتری تهیه کند از این جهت بنده پیشنهاد کردم که صدی ده حقوق آنها اعتبار باشد که برای آنها منزل مناسبی تهیه شود این پیشنهاد بنده است و نظرم هم این است که دیگر محتاج به زردید نیست و از همان اسباب و ائاثیه دارند باید بدهند.

رئیس -- آقای رفیع  
حاج آقا رضا رفیع - آقا توجه بفرمایند که يك ائاثیه که وزارت مالیه دارد بالاخره مال همه ملت است و خود وزارتخانه بدون اجازه مجلس نمیتواند انتقالش بدهد و اینکه در لایحه نوشته اند معنایش این نیست که ائاثیه بخرند بلکه مقصود این است که ائاثیه هر چه لازم است و دارند بدهند و اگر يك صندلی هم نداشته باشد آن را با اجازه مجلس شورای ملی برون بخرند در قسمت منزل هم همانطور مثل سابقین اگر جا دارند میدهند و اگر ندارند بر ایشان اجاره میکنند و اینها می آیند مشغول خدمت میشوند و مقصود دولت از پیشنهاد به مجلس شورای ملی برای استیذان و استعجازه است که اجازه بگیرد برای آنها ائاثیه تهیه کند و البته هر چه دارد بهشان میدهد و هر چه هم ندارد تهیه میکند و بنده هم تصور میکنم که دولت محتاج نشود به اینکه ائاثیه جدیدی بخرد و همان هائی که از سابق دارد کافی خواهد بود

وزیر مالیه - اجازه میفرمایید بنده يك توضیحی عرض کنم تا اینکه رفع اشتباه بکلی از آقا بشود اینجا نوشته است : دولت مجاز است با منزل و ائاثیه مناسبی برای آنها تهیه و با معادل صدی پانزده حقوق هر کدام را برای تهیه منزل و ائاثیه بآنها بپردازد حالا اگر دولت نخواست منزل بدهد و صلاح اینطور شد که مبل خودش را نهد که خراب کنند. خودش هم که خانه ندارد باید کرایه بکند الان ما ماهی چهار صد تومان کرایه باغ مخیر الدوله را میدهیم در اینصورت اجازه میدهند که اگر دولت صلاح ندید که خانه بدهد و اینطور مقتضی دید که پول بدهد آنوقت صد پانزده

رئیس -- پیشنهاد آقای بهبهانی  
( شرح ذیل خوانده شد )  
پیشنهاد میکنم آخر ماده دوم بنحو ذیل اصلاح شود با منزل مناسبی برای آنها تهیه و با معادل صدی ده حقوق هر کدام برای تهیه منزل در تحت نظارت وزارت مالیه بآنها اعتبار داده شود و ائاثیه آنها را بقدر کفایت از ائاثیه رئیس مالیه سابق و خزانه دار سابق بدهند  
رئیس -- آقای بهبهانی

بهبهانی - در شصت هزار تومان اعتبار چون اعتبار است نمیشود صحبت کرد و البته دولت مکلف است باینکه اهتمام کند که کمتر خرج شود ولی در قیمت ائاثیه و منزل مینویسد دولت ائاثیه و منزل مناسبی برای آنها تهیه کند و با معادل صد پانزده حقوق هر کدام را برای تهیه منزل و ائاثیه بآنها بپردازد اینجا بنده تصور میکنم اولاً ائاثیه داریم برای اینکه آن اشخاصی که بودند و رفتند یکی از جهات تنقیدیه که نسبت به آنها ابراز میشد این بود که میکفتند ائاثیه و نجملات آنها خیلی زیاد است لهذا آن ائاثیه که جائی زفته و در تحت اختیار دولت است و هر چه بخواهند از آن ائاثیه میتوانند بدهند. زردیدی هم ندارد. اینکه آقای وزیر مالیه در جواب یکی از نمایندگان محترم فرمودند که این برای این است که اگر دولت بخواهد از این ائاثیه بدهد بتواند من نمیدانم بطور نمیتواند بدهد؟ برای اینکه يك ائاثیه بوده است و در تحت اختیار دولت هم هست و این مستخدمی هم که میآید ائاثیه میخواهد و از همین ائاثیه بهشان میدهند. پس این زردید را بنده در اینجا جایز نمیدانم از این جهت است که پیشنهاد کردم فقط برای منزل و کرایه منزل آنها ممکن است يك چیزی داده شود و چون منزلی که حضرات سابقاً داشتند کرایه برده و يك اجاره فوق العاده یعنی مخارج فوق العاده زیادی داشته است ممکن است دولت برای اینها يك منزلی

حقوقش را بهش میدهند این دیگر جمع نمیشود باهم که هم اثابیه هم صد پانزده حقوق را بدهد اینطور که نیست اگر چنانچه نباشد خانه و اثابیه خودمان بدهیم البته از خانها و اثابیه هائی که تهیه کرده ایم میدهیم و البته اثابیه هم يك چیزی نیست که ابدی باشد. خراب میشود. ميشكند، تعمیر میخواهد و باید تجدید کرد، غرض این است که اثابیه زندگان آنها را مطابق این ماده آنچه داریم میدهیم و هرچه هم کسرداریم میخریم و میدهیم این اشکال ندارد

رئیس - رای گرفته میشود باین پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

( عده قابل قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد. رای گرفته میشود بماده دوم آقایانیکه ماده دوم را تصویب می کنند قیام فرمایند.

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد. آقای فیروز آبادی پیشنهادجناب عالی در رسید ماده سوم

( بمضمون ذیل خوانده شد )

ماده سوم - وظیفه متخص عالی مقام مالی و اقتصادی بقرار ذیل خواهد بود:

- ۱ - مطالعه در اوضاع مالی و اقتصادی و تهیه راپرت های جامع راجع باین کلیات
- ۲ - تهیه پیشنهادات برای ایجاد منابع عایدات نازه و اصلاح اصول قو این مالی
- ۳ - تهیه پیشنهادات برای اصلاح ترتیب ادارات مالیه و تقشیر مخارج و حسن جریان امور مالی و اقتصادی
- ۴ - انجام هر خدمتی که مربوط بصلاحت مشار الیه و از طرف دولت بمشار الیه ارجاع میشود

رئیس - آقای بامداد

بامداد - منفعت وجودی متخص عالی مقام در این

ماده خلاصه میشود در این ماده می نویسد. مطالعه در اوضاع مالی و اقتصادی و تهیه راپورتهای جامع راجع باین کلیات (قید کلیات) هم مخصوصاً شده است. نوعاً يك مطالعه میکنند و راجع به کلیات چیز هائی بگویند و راپورت بدهد ولی دخالت نکند که اگر فلان چیز اینطور بشود بهتر است يك کلیاتی بگویند. از آن کلیات در کتب پر، در کتب مستشرقین پر، در کتب سیاحتی که با بران آمده اند، حتی يك اشخاصی که بنام یاد گرفتن و بنام سیاحت آمده اند يك نقشه های اقتصادی تهیه کرده اند که با مأمور دولت های فرنگ بوده اند و با خودشان آمده اند این نقشه ها در دستشان زیاد است و دیگر ما احتیاج نداریم که بکنفر متخص عالی مقام بیاوریم که در اوضاع عمومی و اقتصادی مالی ایران مطالعه کند و راجع باین کلیات يك راپورتهائی بدهد. در این کلیات مطالعه بکنند این يك چیز نازه نیست. يك چیز مفیدی نیست. عرض کردم این قید کلیات هم شده است برای این که مبدا بگویند فلان چیز خراب است و اگر گفت فوراً بگویند بتو مربوط نیست تو بنا بود در کلی صحبت کنی (دوم - تهیه پیشنهادات برای ایجاد منابع عایدات و اصلاح اصول قوانین مالی) این ماده فوق العاده خوب است و باید يك روزی ایران از يك متخص عالی مقامی راجع بهمین قسمت يك استفاده هائی بکنند امروز این شبهه و این فن اقتصاد کارش در دنیا خیلی بالا گرفته است و تمام زرد خورد های دنیا هم سر این مسئله است همه جا کلیه مسائل خلاصه شده باین مسئله که مسئله اقتصادی باشد و موضوع مبارزه اقتصادی است و البته آنها سه چهار قرن قبل از ما این کارها را کرده اند و آنها خوب میدانند و بدون رودر بایستی باید گفت که ما احتیاج داریم حتی ممکن است بکنفر مقتصد فنی بواسطه اضافه يك ماده بایك بند در قرار داد گمرکی يك مملکتی را گذا کنند بایك مملکتی را غنی نباید تا این اندازه است

بله تصدیق میکنم اما اگر این شخص آمد و روری کلیات يك پیشنهاداتی کرد ولی رفت نوی کشوی میز ماند با اینکه راجع باین قسمت برای ایجاد منابع عایدات نازه و اصلاح اصول قوانین مالی پیشنهاداتی کرد و کس عمل نکرد تکلیف چیست؟ در ماده پنج میگوید مکلف است راپورت بدهد حالا آقای وزیر مالیه يك اصلاحی در نظر دارند که آن وقت در هیئت وزراء مطرح میشود بنده آنجا عرض را میکنم که این قسمت وافی بمقصود نیست این شخص آمد يك پیشنهاداتی کرد که حقیقتاً بنفع ابراف بود و برای اصلاح امور اقتصادی و وضع قوانین هم خیلی مفید بود ولی عمل نکردیم بنده خودم آقایان نقشه منابع تحت الارضی ایران را دیده ام که معادن تحت الارضی ایران با همان رنگ معدن خودش رنگ آمیزی و چاپ شده است و الان هم هست و بنده میدانم کجا است. البته اولیای امور هم آنها را دیده اند ولی تمام اولیاء امور نه اختصاص بخاضری داشته باشد عمل نکرده اند. ما باید کاری کنیم که عملی بشود نه اینکه تمامش حرف بزینم و هی پول از خزانه این مملکت فقیر خرج کنیم. باید عمل بشود و الا این کلیات براحدی مشتبه نیست. اینهم آمد و يك پیشنهاداتی کرد ولی بخرج رفت. کسی قبول نکرد. تکلیف چیست پول از جیب ما بیرون رفته این مخارج را هم کرده ایم از آن بالا از اظهار احتیاج علمی هم کرده ایم استفاده هم کرده ایم. ( سوم تهیه پیشنهادات برای اصلاح ترتیب ادارات مالیه و تقلیل مخارج و حسن جریان امور مالی و اقتصادی ) این آرزوی بنده است. بسیار خوب ولی در میخورم به تشکیلات. آمدم گفت اینطور باید تقلیل کرد. یا برای حسن جریان کارها باید این ترتیب رفتار کرد و ما میتوانیم با این پول تمام این کار های بزرگ را بکنیم ولی نخواستند تکلیف چیست؟ زیرا مخصوصاً این قسمت بر میخورم بمنافع اشخاص مثلاً تقلیل بودجه میشود بر میخورم بمنافع اشخاص. این دیگر بکلی از آن چیزهائی است

که باید برود در کشوی میز - چهارم ( انجام هر خدمتی که مربوط بصلاحت مشار الیه و از طرف دولت بمشار الیه ارجاع میشود ) اصلاح این قسمت چهارم لازم نیست و آن سه قسمت کافی است. برای اصلاح امور اقتصادی و آن قسمت ها که پیشنهاداتی میدهد معنایش همین است دیگر انجام هر خدمتی که مربوط بصلاحت مشار الیه باشد یعنی هر چه میداند بنویسد و پیشنهاد کند. ما باید يك فکری کنیم که نفع ببریم ما که پول میدهیم و بالا از پول دادن عرض احتیاج میکنیم که ما نمیدانیم تو بیا بکن آخر ما تا کی باید با جهل خودمان و عرض احتیاج کنترات داشته باشیم؟

آخر يك روزی باید تمام شود و خانه پیدا کند. همه روزه این طرز متخص آوردن هست و بالاخره باز این جا اظهار دلنگی میشود. در خارج هم اظهار دلنگی میکنیم که چه کنیم باز باید مستشار بیاوریم. يك عملی بکنید يك اقدامی بکنید که از موجود استفاده کنیم که اقرار برای آینده بی نیاز باشیم. بنده هیچ این چیز ها را مفید نمیدانم و يك سیاهی است روی کاغذ سفید رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضارفع - یکی دو جلسه است آقای بامداد در ضمن مخالفت با لایحه اظهار میدارند کتبی تدوین شده است نقشه هائی کشیده است، بنده میخواهم ایشان را متذکر بسازم که این کتب در اغلب مهالك دنیا هم هست در دنیا کتاب خانها دارند، قرائت خانها دارند ولی با وجود این يك متخص مالی هم دارند. آن کاری که آدم خودش میتواند بکند کتاب نمیتواند. کتاب را این جا به چینند تا آن بالا باز يك کسی را میخواهد که بیاید آنها را بخواند و عمل کند ولی بالاخره يك آدمی هم پیدا می شود که کتاب بخواند يك کارهائی میکند که تمام دنیا را مات میکند ما متخص میخواهیم البته معلومات اغلب آقایان بیشتر از کتاب است و فصحا و بلغاء و همه طور اهل فن هستند اما متخص مالی نداریم. آن کتاب

هزاره هم نخواهیم باز متخصص مالی نمیتوانیم پیدا کنیم چه کنیم؟ اشاره به نقشه فرمودند که نقشه دیده اند که خیلی در آن راجع بمعادن ایران خوب کار کرده اند بنده عقیده ام این است که اگر لازم میدانند بکن است پیشنهاد کنند که در این لایحه اضافه شود که یکی از وظائف متخصص هم نقشه کشی است عرض میکنم که مملکت ما يك مملکتی است که تمام منابع زوت او در زیر خاک پنهان است يك مالیات هزارساله کوفتی هم دارد که همه مان میخواهیم يك کاری کنیم این مالیات را ملغی کنیم. با این مالیات و با این عایدات نمیتوانیم زندگانی کنیم. بودجه بیست و پنج میلیون بدرد ما نمیبخورد. ما میخواهیم مردم متمول باشند و يك بودجه صد میلیونی پیدا کنیم. بالاخره ما چکار کنیم ما بمقدار رسید که برویم مذاکره کنیم و يك متخصص مالی از خارج بیآوریم یا هم گفتیم از کجا بیآوریم بهتر است گفتند از آلمان. لایحه تنظیم کرده ایم و آورده ایم به مجلس ممکن است حضرت عالی آن فکر مثبت نان را بفرمائید که ما بینیم چه باید کرد؟ بنده میخواهم پول برای مملکت و وطن پیدا شود و خرج کنیم. باید يك فکر را شما بفرمائید که عملی شود. ممکن است نظر آقا بهتر باشد ما موافقت کنیم. ما میخواهیم بمقصد برسیم ما که بانظر آقا مخالفتی نداریم شما هم اهل ایرانید ما هم اهل ایران هر دو نماینده و هر دو موکل داریم و میخواهیم برای مردم يك کارهایی بکنیم بمقل ناقص ما اینطور رسید بمقل کامل آقا چه میرسد بفرمایند ما هم قبول میکنیم و کما میکنم مذاکرات زیادی در این خصوص پیش از این لازم نباشد و آقا هم فرمایش دیگری فرمودند که بنده جواب عرض کنم

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - بنده گرچه در موقع شور در کلیات نظریات خودم را عرض کردم ام ولی نظر باینکه در آن موقع مناسب نبود که جزئیات نظر را عرض کنم موکل کردم باینکه در موقع طرح این ماده عرض کنم. بعقیده بنده

و موافق صلاح مملکت ندانست قضیه را ارجاع کنند به هیئت وزراء که در يك جای وسیع تری نسبت به نظریات او مطالعه شود و حکمیت قطعی بکنند ولی در بعضی از امور و وظایف بنده معتقدم اگر این مستشار يك اختیارات زیاد تری نداشته باشد وجودش بی فایده خواهد بود و آن منظور اصلی که از استخدام متخصص مالی داریم که عبارت از اصلاح مالیه مملکت باشد انجام نخواهد شد و آن چهار مسئله مهم است یکی پرسنل مالیه است که عبارت از عزل و نصب و ترقی و تنزل اعضاء باشد و البته در حدود قوانین بایستی بآن متخصص عالیمقامی که بنظر بنده بایستی رئیس کل مالیه اسمش را گذاشت این اختیارات را داد

عمادی - خزانه دار دارد

احتشامزاده - بنده مخالف هستم که این اختیارات را بخزانه دار بدهند عقیده بنده این است که این اختیارات را باید بدهند به رئیس کل مالیه که ریاست دارد به تمام ادارات مالیه ..

عمادی - متخصص برای امور مالی است

احتشامزاده - اجازه بفرمائید بنده عرایض را عرض کنم و مخصوصاً استدعا میکنم آقای آقا سید بعقوب هم توجه بفرمایند و عرایض بنده را بشنوند که بعد نسبت ب اطلاع بدهند. بعقیده بنده در امور پرسنلی این مستشاری که در رأس وزارت مالیه خواهد بود و ریاست کل مالیه را خواهد داشت باید این اختیارات را بدهیم نه بيك نفر خزانه داری که در يك قسمت از امور مالیه ریاست دارد يك قسمت دیگر که بعقیده بنده باید اختیار بدهیم به رئیس کل مالیه یا متخصص مالیه مسئله جمع آوری عوائد و وصول مالیاتهای مملکتی و نظارت در آنها و یکی هم مراقبت کامل در نفتیش کلیه امور وزارت مالیه است بنده معتقدم که اگر چنانچه این اختیار را به رئیس کل مالیه یا يك متخصص دیگری که برای اصلاح امور مالیه مان میآوریم بدهیم

شاید آن منظوری که داریم و عبارت از اصلاح اوضاع مالیه مان است بعمل نیامده بنده میدانم که اختیار آنرا برای خزانه داری قائل شده اند ولی بنده معتقدم این اختیارات را باید به رئیس کل مالیه و بيك نفری بدهند که در رأس وزارت مالیه است و احاطه بر تمام کار های وزارت مالیه دارد. بخزانه دار اگر این اختیارات را بدهند البته در يك قسمتهائی که مربوط باو میشود این اختیار هست ولی در سایر قسمتهای مالیه معلوم نیست چه میشود؟ بنده چون منفی باف نیستم و همیشه بر طبق نظریات که دارم مخالفت میکنم این است که همیشه پیشنهادات خودم را هم بلافاصله تقدیم میکنم که آقایان بدانند منفی باف نیستم و عقاید مثبت دارم و در هر موضوعی هم که نظری دارم عرض میکنم و پیشنهاد میدهم.

مخبر - عرض کنم این موضوعی که مکرر هم از طرف ایشان و هم سایر آقایان اظهار شد يك موضوع نظری است يك عده عقیده دارند که به آن متخصص مالی یعنی آن کسیکه تهیه پیشنهادات و پروژه هائی برای اصلاح امور مالی و اقتصادی میکنند يك اختیارانی هم برای اجرای آن پیشنهادات داده شود یعنی وظایفی که برای آن شخص معین شده خودش هم مجری آنها باشد و در عین حال نظارت در جریان امور روزانه مالیه مملکت هم داشته باشد و البته يك دلائلی هم هست در اینکه کسی میتواند از فکر خودش استفاده کند که اختیار اجرای آن بدست خودش است و این شاید تنها دلیلی باشد برای آن اشخاصیکه دارای این عقیده هستند. در مقابل این نظر هم يك عقیده هست که میگویند اگر بنا شد نظارت در امور روزانه مالیه مملکت و اجرای پیشنهاداتی که بعدها تهیه میشود و اصلاحات اداری و تشکیلات جدید و بالاخره تهیه قوانین و پروژه های تازه اینها همه برعهده يك شخص باشد اجرای این فکر غیر عملی است. در تجربه هم يك قدری این قضیه روشن شده است ما البته نمیتوانیم بگوئیم که مستشار ها یعنی ممتدین امریکائی



نی خواستند برای ما کار کنند ولی روی هرفته موقوفی که تمام اختیارات را دادیم بیک نفر که هم در کمیسیونها حاضر باشد هم خودش بنشیند بیک چیزهای تازه بنویسد و هم مراقب کارهای روزانه مملکت باشد بیک نتیجه از او حاصل شده که همه ما فریادمان بلند شد و آن جریان بطور کار بود که ما داد میزدیم که چرا جریان مالیه ما بطی است ولی کاملاً بفلسفه او پی نبرده بودیم ما تمام اختیارات را داده بودیم بیک نفر که تمام این چیزها را او امضا کند و این عملی میشود که بیکنفر بتواند تمام امور اقتصادی بیک مملکتی را با اضافه نهمه قوانین و پیشنهادات و غیره تهیه کند نتیجه این شده بود که امور مالیه ما اینطور بطئی شده بود که بیکنفر بعد از هشت ماه جواب کاغذش داده میشد حالا اینجا آمده اند تفکیک کرده اند بیکنفر اختیارات را داده اند بیکنفر گفته اند شما فقط همانطور که بطور بد بینی هم شاید اینجا اظهار میشود ولی خود بنده بان شخصی که بار بد بین بودند خوش بین هستم میخواهیم که بیک شخصی مثل مسیو برنی برای مالیه داشته باشیم بالاخره بیک قوانینی مسیو برنی برای ما گذاشته است و رفته است ریشه قوانین عدلیه ما بیک قسمتش از اوست این شخص هم باید برای ما پروژه بنویسد بما راههای جدید اقتصادی نشان دهد. ما حالا خودمان بخواهیم استفاده کنیم این عیب را باید از خودمان رفع کنیم بعقیده بنده یکی از کارهایی که ما باید بکنیم (و فعلاً معکوسش را گرفته ایم) این است که عیب را از خودمان رفع کنیم و بیک عیب دیگر ایجاد نکنیم که دیگری را بر خودمان تسلط بدهیم ما بیک شخصی را میخواهیم بیآوریم که فقط قانون بنویسد برای ما و پروژه های کامل برای ما تهیه کند و در حدود این کار بیک استفاده هائی از او بشود و آن اختیاراتی که آقای احتشامزاده معتقدند در تحت عنوان رئیس کل مالیه داده شود آن اختیارات را در تحت کلمه خزانه داری میدهیم ما البته دعوی لفظی نداریم.

چه بگوئیم خزانه دار. چه بگوئیم رئیس کل مالیه. مقصود دادن اختیارات و اجرای بیک نظریات است و اگر چنانچه آنها را کم میدانند ایشان البته همانطور که فرمودند پیشنهاد میفرمایند و در موقعش مذاکره میشود و اگر قابل قبول بود قبول میشود. در هر صورت دعوی لفظی نداریم که کلمه رئیس کل مالیه باشد یا خزانه دار. اینجا مطالب تقسیم شده است. نوشتن قوانین و پروژه ها بیکنفر داده شده است و اختیار اجرای امور روزانه مالیه هم بیکنفر و گمان میکنم عملی تر و بهتر باشد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادها میفرمائید بعد از تنفس قرائت شود.

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود. پیشنهاد آقای احتشامزاده

(بشرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم بآخر فقره ۲ ماده ۳ اضافه شود و اصلاح تشکیلات ادارات و دوائر مالیه مطابق مقتضیات و احتیاجات مملکتی.

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - یکی از مسائل مهمی که فوق العاده موجب زحمت مردم و اسباب تفریط مالیه دولت است مسئله ازدیاد تشکیلات مالیه ایران است و البته یکی از اصلاحاتی که باید بشود این است که سعی کنند تشکیلات را سهل و ساده و مطابق احتیاجات مملکتی مانده کنند که اسباب رفاه و آسایش مردم باشد و در ضمن حق المقدور در تقلیل مخارج اداری هم تأثیر کند هم آقایان این مسئله را مشاهده فرموده اند و میدانند که چقدر تأخیر کار در وزارت مالیه اسباب زحمت مردم

است یکی از مسائلی که بنده خیال میکنم به آن متخصص مالی واگذار کنیم این است که او را مأمور کنیم بیک پیشنهاداتی برای اصلاح تشکیلات وزارت مالیه ما بکنند چون بنده خواستم این مسائل عملی شود این پیشنهاد را تقدیم که او خودش را ملزم بداند و دولت هم این کار را یکی از وظایف او بداند و استفاده از نظریات او بکنند.

وزیر مالیه - ممکن است مقرر بفرمائید بیک مرتبه دیگر این پیشنهاد را بخوانند

(پیشنهاد آقای احتشامزاده مجدداً قرائت شد)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در قسمت سوم نوشته شده است نهمه پیشنهادات برای ترتیب ادارات مالیه و تقلیل مخارج و حسن جریان امور مالی و اقتصادی و بنده نمیدانم ازین نکات چطور میشود گفت که این نظر را تأمین نمیکند گمان میکنم خود آقای احتشامزاده حالا نگاه کردند دیدند که محتاج نیست

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقایان امامی و ثابت.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده ماده ۳ را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم  
ماده ۳ - متخصص مزبور تحت تعلیمات قانونی و نظارت وزیر مالیه و مراعات اصل مسؤلیت وزراء کلیه امور مالیه ایران را عهده خواهد داشت مشارالیه تحت هدایت قانونی و تصویب وزیر مالیه اختیار نام خواهد داشت که بودجه را تهیه کرده تشکیلات وزارت مالیه و تمام شعب آن و ادارات دیگر دولتی را که مستقیماً با جمع و محاسبه و پرداخت و وجوه عمومی مربوط است

اصلاح نماید دولت ایران قبل از اینکه راجع بکلیه مسائل مالیه ایران اقدام و تصمیم بکنند با متخصص مزبور مشورت خواهد کرد و در هر مجلس یا کمیسیون که مربوط بداره مالیه یا مسائل مالی منعقد شود مشارالیه بعد از وزیر مالیه مقدم خواهد بود و در کمیسیون یا مجلس بین المللی که راجع بامور مالیه تشکیل گردد بعد از وزیر مالیه مقام نمایندگی ایران را خواهد داشت در باب امتیازات تجارنی و صنعتی متخصص مزبور طرف شور بوده میتواند عقاید خود را کتباً یا شفاهاً بدولت اظهار نماید. جواد امامی، ثابت

رئیس - آقای امامی

امامی - چون آقای منشی بیک قدری عجله داشتند این بود که پیشنهاد را آن طوری که لازم بود قرائت نفرمودند این است که برای استحضار آقایان ثانیاً خودم قرائت میکنم بعد توضیح میدهم: متخصص مزبور تحت تعلیمات قانونی و نظارت وزیر مالیه و مراعات اصل مسؤلیت وزراء کلیه امور مالیه ایران را عهده خواهد داشت مشارالیه تحت هدایت قانونی و تصویب وزیر مالیه اختیار نام خواهد داشت که بودجه را تهیه کرده تشکیلات وزارت مالیه و تمام شعب آن و ادارات دیگر دولتی را که مستقیماً با جمع و محاسبه و پرداخت وجوه عمومی مربوط است اصلاح نماید دولت ایران قبل از آنکه راجع بکلیه مسائل مالی ایران اقدام و تصمیمی بکنند با متخصص مزبور مشورت خواهد کرد و در هر مجلس یا کمیسیون که مربوط بداره مالیه یا مسائل مالی منعقد شود مشارالیه بعد از وزیر مالیه مقدم خواهد بود و در کمیسیون یا مجلس بین المللی که راجع بامور مالیه تشکیل گردد بعد از وزیر مالیه مقام نمایندگی ایران را خواهد داشت در باب امتیازات تجارنی و صنعتی متخصص مزبور طرف شور بوده میتواند عقاید خود را کتباً یا شفاهاً بدولت اظهار نماید عرض کنم اولاً برای استحضار خاطر آقای رفیع عرض

میکنم که بنده و تمام رفقای بنده و سایر نمایندگان محترم همه متفق هستند بر اینکه مادامی که مارشد اخلاقی پیدا نکرده ایم باید در راس مالیه ما یک نفر خارجی قرار بگیرد.

افسر - رشد اخلاقی داریم. عقیده خودتان را بگوئید

(همه نمایندگان)

امامی - اگر رشد اخلاقی آن اندازه که لازم است داشتیم محتاج بمستشار خارجی نبودیم منتها تفاوت که بین عقیده آقای رفیع و رفقای ایشان و بنده و رفقای بنده هست این است که مستشاری که ما میآوریم برای مالیه دارای يك اختیاراتی بوده باشد که حقیقه بتواند برای مملکت کار کند و امور مالیاتی ما را کاملاً مرتب کند. با این کمترانی که دولت مجلس آورده است بنده تصور می کنم که وجود این مستشارها بکلی زائد است برای اینکه بطوریکه در اینجا ذکر شده است فقط و فقط برای تهیه پروژه ها خواهند بود و دادن نظریات دیگر اختیاراتی در امور مالی و داشتن يك نظریاتی در خرج و دخل مملکت ابدأ نخواهند داشت. از قراری که آقایان مستحضرنند و آقای رئیس الوزراء هم در جلسه گذشته خودشان يك اشاره فرمودند قبل از اینکه این لایحه را دولت مجلس تقدیم کند یک نفر متخصص مالی دکتر ویلهلم نام آلمان از برای مطالعه امور مالیه و اقتصادیات مملکت ایران با خرج خودش آمده است و بطوریکه بنده از اشخاصی که با ایشان ملاقات کرده اند و بحث و مذاکره کرده اند شنیده ام ایشان گفته اند مادامی که شما بیکنفر آلمان که میخواهید استخدام بکنید اختیارات نام ندهید تصور نمیرود آن نتیجه که در نظر دارید بتوانید تأمین کنید این طبیعی است که واقعاً اگر ما نخواهیم یک نفر متخصص عالی مقام که در این لایحه ذکر شده از برای مملکت استخدام کنیم با این وجه قلیل قطعاً برای این مملکت مقدور نخواهد بود باید یک نفر متخصص

حقیقه عالی مقام (نه در روی کاغذ عالی مقام) پیدا کنیم و برای مالیه مملکت استخدام کنیم تا بیاید در اینجا و بتواند امور مالیاتی ما را مرتب کند بنده تصور میکنم و با این پیشنهاد و موادی که در اینجا ذکر شده است اساساً وجود این آدم زائد است و اگر نخواهید از وجود این آدم حقیقه از برای مملکت يك منافعی عاید شود باید اختیارات او را بطوری که بنده عرض کردم يك قدری زیادتر بکنید

وزیر مالیه - مکرر میشود که آقایان نمایندگان بعضی ها که يك عقیده را دارند و اظهار میکنند مطلب یکی است و جوابهایی هم که گفته میشود یکی است در موقع و نوبت خودشان تکرار میکنند اصل موضوع و ریشه این است که میخواهید بفرمائید این اختیارات لازم است و در اینجا نیست اصل مطلب این است در صورتیکه يك قسمت از مطلب اینطور نیست و يك قسمتش این طور است و تماماً اینطور است و صلاح هم در این است که این طور باشد و غیره از اینش صلاح نیست و مضر است و نقض غرض دلائلش را هم مکرر آقایان نمایندگان و خود بنده در ضمن کلیات عرض کردم که ما متخصص میآوریم و مستشار. لفظ مستشار هم که گفته میشود البته از نقطه نظر عادت باین اصلاح است و الا متخصص است ما متخصص که میآوریم آن مقصودی را که میخواهیم از فلان متخصص انجام کنیم راهش چه چیز است؟ مایک قسم متخصص میخواهیم برای اینکه امور اداری مالیه ما را از حیث اصول عایدات و مأمورین وصول و دفاتر و ارزاق مربوطه بعرض حال از طرف دیگر پرداخت مخارج و دفاتر و دوائر مربوطه باین کار را برای ما اداره کند و مرکز عایدات مملکت هم که خزانه است او را هم مطابق قوانین و نظامات مملکتی اداره کند و اختیار تمرکز دادن و حفظ عوائد عمومی را هم مطابق قانون داشته باشد. برای این مقصود يك خزانه داری با اختیاراتی که ما اینجا باو داده ایم استخدام میکنیم. اگر آقایان این

مواد را دقت کنند خواهند دید کاملاً وافی است و هیچ چیز دیگر هم لازم ندارد. يك اختلافی هست اینجا و آن این است که یکی از آقایان گفتند شما بان آدم نظارت در خرج را نداده اید بنده عرض کردم بموجب ماده ۸ ما این نظارت را داده ایم حالا آقایان تصور میکنند این ماده هست وافی نیست؟ در اصل مطلب که اختلافی نیست سر ماده ۸ هست که رسیدیم يك پیشنهادی بفرمائید این نظارت را آن طوری که شما می خواهید پیشنهاد بفرمائید ما هم قبول میکنیم عرض میکنم چرا وقت خودمان را تلف کنیم در سر نزاع لفظی و نزاع لغوی کنیم؟ اگر نزاع در معنی هست بحث کنیم. اگر نزاع نیست حل کنیم قضایا را. با لفظ خزانه دار بعضی از آقایان بد هستند میگویند این لفظ خزانه دار نباشد می گویند رئیس کل مالیه باشد نسبت به لغت رئیس کل مالیه هم سابقه خوبی شاید بعضی نظر بآن قوانین ندارند اسمش را گذارده اند خزانه دار. حالا باید برای این کار تمام وقت خود را تلف کنیم؟ خیر باید بپردازیم بحقیقت ما از خزانه دار و از متخصص چه میخواهیم؟ میخواهیم عوائد مملکتی ما هر چه هست بدست او و بدست مأمورینی که در تحت کنترل و نظارت او هستند و ما حتی عزل و نصب اینها را هم اختیارش را باو داده ایم و این بزرگترین اختیاری است که میشود بيك متخصص داد و شاید یکی از آن اختیاراتی است که شاید صلاح نیست بخارجی داد ولی ما از نقطه نظر این که احتیاج داریم که این اداره ما مرتب بشود آمده ایم این کار را کرده ایم. این اختیار را هم داده ایم. ولی البته با يك اصلاحاتی که در قانون سابق آن اصلاحات نبود و بيك ضررهایی مهم مملکتی بر خورد این اختیار را دادیم که عایدات را تمرکز بدهد خرج را بایستی مطابق تصویب مجلس بکند و مطابق همان ماده قانون حق دارد اگر يك خرجی تطبیق نمیکند با مصوبات امضاء نکند هر کس هم میخواهد امضا کند در مخارج هم بعد

از تصویب که چه نحو خرج میشود نظارت کند. در این قسمتش آقایان میگویند ماده ما وافی نیست؟ پیشنهاد بفرمائید توضیح بفرمائید بنده قبول میکنم. در معنی و حقیقت با هم موافقیم. آمدیم سر آن بيك متخصص. این را هم بنده و هم بخیر محترم کبسیون گفتند و هم بعضی دیگر اظهار کردند. اساساً ما معتقدیم باین که آن متخصص دیگر آن متخصصی که میآوریم برای اینکه از علم و اطلاع او استفاده کنیم برای اصلاحات مالی و اقتصادی و قوانین (و منحصر بمالیه نیست) بیشتر استفاده که از او می خواهیم بکنیم در رشته های اقتصادی مملکت است. مسائل فنی مربوط با ادارات فواید عامه مهمتر است تا نقطه نظر استفاده از مسائل خاص وزارت مالیه این آدم اصلاح خودش و صلاح ما و صلاح آن مقصودی که ما تعقیب میکنیم این نیست که او را داخل در امور جاری بکنیم و بيك مسؤلیت های کاری و عملی باو بدهیم. آقا بتجربه ثابت شده است که نمیتواند برسد. نمیتواند مطالعات بکند. وقت فراغ ندارد. همیشه گرفتار زد و خورد و کشمکش با قوه مجریه و مأمورین اجرائیه شما میشود. همیشه طرف تقاضا و توقع و ملاقات ناچر و غیر ناچر و عمر و زید میشود. هر کس بيك کاری دارد میخواهد او را ببیند. اگر راه ندهد فردا هوش میکنند اگر راه بدهد تمام وقتش را باید بگذارد روی این مذاکرات و نمیشود. این آدم را شما باید از جریان مسؤلیت و از جریان اداری فارغش بگذارید بنشانیدش. اینجا وعد و مسائل بهش بدهید که با خارج بودن از این مرحله او بتواند از مسائل مطمئن باشد. جریان امور را بداند. البته بيك کسی را که شما میخواهید بیاورید اینجا برای اصلاح ادارات مالی که بيك طرح عملی بنویسد بنده تصدیق میکنم همه تصدیق دارند که این آدم تا از نزدیک نبیند که ادارات مالی ما چه جور جریان دارد و چه جور بهم می افتد و چه جور از گل هم در میروند نمیتواند فکر اصلاحات

بکنند. این مسلم است اما میخواهیم ببینیم آیا ما همی هست؟ آیا نمیشود این وسائل را فراهم کرد که این آدم این اطلاعات را آن طوری که دلش میخواهد تحصیل کند بدون اینکه مسؤولیت اداری داشته باشد؟ میشود این کار را کرد بهتر هم میشود. آقای امامی در ضمن صحبتی که فرمودند اسمی هم از متخصصی که با اینجا آمده بودند. بنده اگرچه میل ندارم در اینجا از یک اشخاصی که مربوط بیک کار هائی نیستند صحبت کنم ولی چون فرمودند مجبورم اظهار کنم که این کسی که این را نقل کرده گمان میکنم اشتباه کرده یا سوء تفاهمی کرده برای اینکه بنده مکرر خودم برای این کار با او صحبت کرده ام و اساساً این برنسیب و این اصل را که ایجاد کردیم که این آدم را میخواهیم آزاد بگذاریم این از عقاید او است و کاملاً تأیید میکند این نظر را فقط چیزی را که او عقیده دارد و با خود بنده حرف زده و بنده مکرر با او محشورم و هر روز او را ملاقات میکنم حرف میزنم با او آن کسی که میخواهد این کار ها را بکند آن وسائل تحقیق و اطلاع را باید برایش فراهم کرد البته همین است و حق آنروز خود بنده عرض کردم که خود بنده يك اصلاحات باین مواد پیشنهاد کرده ام و حاضر کرده ام که در موقعی که میرسیم بآن مواد تقدیم میکنم که ضمیمه شود باین لایحه. این از کجا است؟ در نتیجه مذاکراتی بوده که با او کرده ام ما خودمان علاقه مند هستیم آقایان میفرمایند استفاده نمیدهد پروژه میدهد این را بنده يك دفعه دیگر هم عرض کردم. این را اساساً ما نایستی انتظار داشته باشیم که اصلاح ما و اجرای اصلاح ما را يك خارجی برای ما بکند. شما هزار گونه اختیار بدهید. اگر ما نخواهیم قبول اصلاح بکنیم هر اختیاری داشته باشد نمیتواند خارجی برای ما اصلاح کند. ما باید خودمان را چیز بکنیم. بنده تصدیق میکنم که ما اطلاعات و علم نداریم و محتاجیم باینکه متخصص بیاوریم که راه نشان ما بدهد ولی هیچ معتقد نیستیم

و آقایان هم تصدیق ندارند که ما برای خودمان قییم درست کنیم برای اینکه این عملیات و آن اختیارات باید يك طوری باشد که نتیجه بدهد آقا گفتند نقشه معاوت خیلی خوب تهیه شده. ممکن است بنده که یکی از اولی امور هستم همچو نقشه را ندیده باشم ولی البته آقای بامداد فرمودند دیگران ندیده اند شاید هم دیده باشند. خوب نقشه که روی کاغذ آمد معدن در میآید؟ یا این که ما الان چند تا متخصص خوب داریم رفته اند معدن را دیده اند و تشخیص هم داده اند. معدن در آمده؟ معدن که در نیامده اینها مقدمه است برای يك کارهای دیگری. آن کارها بکجا بر میخورد؟ بر میخورد سیاست مملکت با احتیاجات مملکت، بیک نظریات دیگری که در آن نظریات هیچکس غیر از دولت مسؤل و مجلس شورای ملی حق مداخله نباید داشته باشند، آنوقت شما تمام این اختیارات را میتوانید بدهید بدست بکنفر که برود این کارها را بکنند؟ خیر. پس در حقیقت نا وقتی که همه ما از مجلس و دولت خود مان طالب اصلاح نباشیم، خود مان زوریم نکرده و این افکار و اطلاعاتی را که خودمان نداریم از آن متخصص پیدا نکنیم و بعد خودمان دنبال او را بگیریم هیچ نتیجه نخواهیم گرفت. پس بگذارید باینطوری که این لایحه تنظیم شده پیش برود: بنده قطع دارم که در نتیجه خواهید دید که در این تجربه از آن تجربه که آن دفعه کردید و پنجسال آن تجربه را کاملاً کردید و بالاخره در نتیجه پنجسال دیدید که يك لایحه مالیاتی جدیدی بیشتر ندارید بیشتر استفاده کنید.

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع

حاج آقا رضا رفیع - نماینده محترم در ذکر مقدمه فرمودند ایرانی رشد اخلاقی ندارد گمان میکنم سهو کردند برای اینکه ایرانی رشد اخلاقی دارد. ممکن است نظر شخصی آقایان باشد ولی همه آقایان و کلاء مجلس شورای ملی میدانند که ایرانی رشد اخلاقی دارد و بعد از آنکه تربیت

بافت. مذهب اسلام بفضل رب العالمین شاید اخلاقاً از تمام ملل بالاتر رفت. آقا باید متذکر باشند که ما متخصص میخواهیم که بیاید اینجا برای ما کار کند مالیه را میخواهیم اصلاح کنیم متخصص میخواهیم ولی این را باید دانست که ما قییم نمیخواهیم مجلس شورای ملی ممکن نیست که زیر این بار برود که يك اختیاراتی را که باید بداخلی بدهد بخارجی بدهد ابتدا ممکن نیست بالاخره باسقی متخصص بیاوریم که آدمهای خودمان باشند همان طوری که در زمان سلطان محمود خواجه نظام الملک را آوردند و تمام اسباب راحت را برایش فراهم کردند همینطور ما هم باید این متخصص را بیاوریم که در اینجا بنشیند و فکر کند که ببیند برای ما چه کاری مقتضی است بکند که نافع باشد. ما می خواهیم از او استفاده ببریم ولی حاضر نیستیم برای خودمان قییم درست کنیم رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید

بعقوب.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم جزو پنجم در وظائف متخصص اضافه شود:

۵ - نظارت و تقطیش در کلیه مخارج مملکتی با رعایت قوانین موضوعه

رئیس - آقای آقا سید بعقوب

آقا سید بعقوب - بنده خیلی متأسفم که يك صحبت هائی راجع برشد و عدم رشد در اینجا میشود، دولت ما الحمد لله يك دولت مستقلی است و وزراء مسؤل دارد و رشد اخلاقی دارد و همه تربیتش درست است، و برای قوه و شمشیر است و دارای استقلال نام و همه چیز است (نمایندگان - صحیح است) منتها بنده اگر پسر

را بفرستم درس بخواند این دیگر چیز ندارد ما يك کسی را می خواهیم بیاوریم که تمدن و علوم اروپائی و بالاخره آن مراحل را که ما از دنیای تمدن دوریم بما بفهماند و این يك موضوع واضحی است و اینقدر حرف ندارد اما در این موضوع که بنده پیشنهاد کرده ام با آقای وزیر مالیه هم صحبت کرده ام و ایشان البته يك نظریاتی دارند دولت در این لایحه کاملاً دو چیز را در نظر گرفته یکی جهت علمی و یکی هم جهت عملی و این متخصص عالی مقام را از نقطه نظر استفاده علمی در نظر گرفته است و جهت عملی را بخزانه دار سپرده و موأول کرده است و بنده از نقطه نظر اینکه دیدم آقای بامداد فوق العاده اصرار دارد که ما نباید به متخصص يك حقوق زیادی بدهیم و او بواسطه ندانستن اختیار کاری برای ما نکنند و در واقع ما عشق نداریم که پول ببخود بدهیم از این جهت بنده خواستم يك قدری بابشان زد يك شوم یعنی يك قدری هم قوه و قدرت باو بدهم که صرف نظر از آن وظائفی که دارد يك قدری هم قوه داشته باشد تا بتواند يك کار های مفیدی بکند. حالا بنده این مسئله را بنظر خود آقای وزیر مالیه واگذار میکنم اگر با آن مقامی که در نظر دارند این پیشنهاد بنده ضرر میرساند استرداد میکنم ولی اگر ضرر نمیرساند و اگر يك مداخلاتی در جمع و خرج باو بدهیم نافع است و بجائی بر نمیخورد بنده استرداد نمیکنم

وزیر مالیه - همین طوری که نماینده محترم خودشان فرمودند باینده قبلاً صحبت کردند. بنده حاضر این اختیار داده شود ولی بخزانه دار. زیرا بطور کلی نظارت در جمع و خرج مملکتی به او واگذار شده ولی اگر بنا شود این قسمت به مستشار واگذار شود برای این که بتواند خوب نظارت کند باید نسبت به تمام کارها مسبوق و حق کنترل داشته باشد و بعقیده بنده بهتر این است که ما این قسمت نظارت را بگذاریم برای خزانه دار وقتی که بماده پنجم رسیدیم این پیشنهاد را با سایر پیشنهادات

مطالبه کنیم آنوقت يك پیشنهاد خوبی که مقصود آقایان را تأمین کند از آن میان انتخاب و قبول می کنیم.

آقا سید یعقوب - محاله استرداد میکنم میگذارم برای ماده پنج.

رئیس - پیشنهاد آقای عباس میرزا (باین عبارت خوانده شد)

در ماده سوم فقره ۳ را بترتیب ذیل اصلاح و پیشنهاد مینمایم.

اصلاح ترتیب ادارات مالیه و فواید عامه و تقلیل مخارج و حسن جریان امور مالی و اقتصادی و نظارت و تقبض از عملیات مستشاران که در مالیه و فواید عامه هستند.

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - توضیح بنده در اطراف تفسیر این ماده است. این مستخدمی که باین ترتیب عنوان میشود در واقع فقط برای امور مالیه نیست بلکه برای تمام کارهایی است که به روت و مالیه عمومی مملکتی مدخلیت دارد. پس بطوریکه ذکر شدن يك آدمی است که باید در ایجاد منابع روت و تقلیل مخارج مملکتی و ازدیاد روت کوشش کند. اگر چه آقای وزیر مالیه در ضمن توضیحاتی که دادند اسمی از فواید عامه نبردند ولی در این لایحه چیزی از این مسئله ذکر نشده و عنوان ندارد. خوب است در اینجا اسم فواید عامه هم برده شود. زیرا کارهایی که با ایجاد منابع روت و ازدیاد عوائد مملکتی مربوط است بیشتر در فواید عامه است از قبیل استخراج معادن و کارهای عام المنفعه و غیره. مخصوصاً نظر باینکه که دولت در آنجا دارد و روی فواید عامه است از این جهت بنده معتقدم در لایحه تصریح شود که این شخص حق نظارت در امور فواید عامه و کارهای مستخدمین اروپائی که در فواید عامه هستند داشته باشد. از این جهت است این پیشنهاد را کردم.

وزیر مالیه - ممکن است مقرر فرمائید دو باره قرائت شود (بشرح سابق خوانده شد)

وزیر مالیه - قسمت نظارتش به عقیده بنده با اصلی که اتخاذ شده متناقض است.

ولی اینکه فواید عامه هم علاوه شود اشکالی ندارد و چون بطور کلی ما نوشته ایم شامل حال آنجا هم خواهد شد بعلاوه يك قسمتی است که در ضمن ماده پنج بعرض خواهد رسید. در آنجا مخصوصاً ذکر شده که این متخصص مالی نسبت بنام ادارات دولتی مخصوصاً فواید عامه حق نظر خواهد داشت و هر قسم اطلاعاتی که بخواند مکلف خواهند بود باو بدهند. و وزارت خانها و ادارات باید هر چه بخواند برای او تهیه کنند بهر حال به عقیده بنده بهترین است که آن قسمت نظارت را بر داشت زیرا دچار اشکال خواهد شد ولی نسبت بقسمت اولی که نوشته شده تهیه پیشنهاد برای اصلاح و ترتیب ادارات وزارت مالیه و فواید عامه و تقلیل مخارج و حسن جریان در پیشرفت امور اقتصادی و مالی این اشکالی ندارد و بنده قبول میکنم.

رئیس - آقای باسائی

باسائی - نظر بنده همان نظر آقای وزیر مالیه است در قسمت وزارت مالیه و فواید عامه چندین اشکالی نیست. حالا چطور میتواند نظریات خودش را در قسمت مالیه و فواید عامه راجع بامور اقتصادی بدوالت پیشنهاد بکند این يك مسئله است که عقیده بنده باید وقتی که بماده پنجم رسیدیم در آنجا بحث و اصلاح کنیم ولی در قسمت نظارت و تقبض چون این قضیه را جزو وظائف خزانه دار معین کرده ایم و از تکالیف او تشخیص داده ایم دیگر ذکرش در این جا به عقیده بنده مورد لزومی ندارد زیرا ما فقط میخواهیم از معلومات علمی این شخص استفاده کنیم.

رئیس - رأی گرفته میشود بقبول توجه این پیشنهاد آقایانیکه

قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(ممدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای احتشامزاده

(بشرح آنی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بآخر فقره يك ماده سه این عبارت اضافه شود: (و تهیه پیشنهادات لازمه برای بکار افتادن منابع زرونی و استخراج معادن)

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - بنده خودم تصدیق میکنم که عبارت ماده اول يك کلی است که تمام مسائل و جزئیات را محتوی و شامل است ولی از نقطه نظر اهمیتی که استخراج معادن و بکار انداختن منابع زرونی در مملکت ما دارد از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم و تصور میکنم با نظری که آقای وزیر مالیه دارند مخالفت نداشته باشد فقط برای تأیید و توضیح است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - گمان میکنم خود آقای احتشامزاده تصدیق بکنند که تکرار عبارت در خارج ایجاد نمیکنند اگر بنده يك چیزی را می تکرار کنم گمان میکنم صرف تکرار فائده ندارد در جزو دوم نوشته : تهیه پیشنهاد برای ایجاد منابع عایدات. این عین مقصود است خوب حالا اگر این مقصود را دو مرتبه تکرار کنند آیا در مقصود تأثیری خواهد داشت؟ اشیا اینکه نوشته شده دیگر بنده رای تکرارش فائده نمی بینم. مخبر - بنده نمیدانم مقصود از استخراج معادن چیست اگر از نقطه نظر فنی مقصود است که کار این شخص نیست ولی اگر همان قسمت اولش را اختیار کنند بنده قبول می کنم. قسمت دومش دیگر لازم نیست. زیرا استخراج معادن جزو منابع روت محسوب است احتشامزاده - بنده هم قبول میکنم.

رئیس - رای می گیریم بقبول توجه بودن این

پیشنهاد. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

افزوده شود

( دو سه نفری قیام کردند )

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای دکتر سنگ

( بعبارت ذیل خوانده شد )

پیشنهاد میکنم در فقره چهار عبارت ( مربوط بصلاحت مشار الیه ) حذف و بجای آن نوشته شود ( مربوط بصلاحت امور مالی و اقتصادی مملکت ) دکتر سنگ رئیس - آقای دکتر سنگ

دکتر سنگ - بنده دیدم این عبارت يك عبارت کشداری است و در آنجا ممکن است اسباب زحمت فراهم کند. این آقای عالی مقامی که تشریف خواهند آورد ممکن است يك روزی متمسک شوند که مثلاً فلان کار از نقطه نظر صلاحیت من متوجه نیست بنده مخصوصاً يك اشکالانی بنظرم رسیده که در این باب میخواستم عرض کنم. آقایان که این لایحه را تنظیم میکنند خودشان لابد به این نکته بر خورده اند. مقصود بنده این اختلاف و عنوان نژادی و ملیت بود که چرا یکی از سویس و دیگری از آلمان باید باشد. اگر دلیل اساسی ذکر میکردند ممکن بود بنده هم مخالفت نکنم ولی این دلیلی که ابراد فرمودند که ما می خواهیم رقابت بیندازیم بین این دو نفر که از لحاظ رقابت و همکاری خوب کار کنند اینرا بنده خوب نمیدانم علی ای حال نظر باینکه این امر تولید اشکال خواهد کرد از این جهت بنده پیشنهاد کردم که مسئله صلاحیت حذف شود و از نقطه نظر اصلاح امور مالی و اقتصادی مملکت نوشته شود و باین ترتیب هر خدمتی را که دولت بآنها رجوع میکند مجبورند قبول کنند.

مخبر - این عیبی ندارد آقای وزیر مالیه هم این پیشنهاد را قبول میکنند

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم عبارت ذیل را که در آخر

۵ - نظر داشتن در کلیه جمع و خرج مملکتی که برطبق مقررات قانون عمل شود

(فیروز آبادی)

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده اولاً امید وارم يك روزی برسد که این مالیات ها که تقریباً پنج شش میلیون بیشتر نیست بکلی از این بودجه مملکتی حذف شود تا دیگر دچار این اشکالات نشویم. و بتوانیم در مقابل این مبلغ اقلاده مقابل از استخراج معادن و بکار انداختن منابع ثروت استفاده ببریم تا اینقدر دچار این مختصر مالیات نباشیم اما در مسئله مستخدمین چون ما این ها را که میآوریم غرضمان استفاده عمده است، از این جهت باید در جمع و خرج مملکت نظارت داشته باشند و به بینند که این پول ها واقعاً بمصرف حقیقی و بخرج واقعی خودش میرسد یا نمیرسد اگر خرج مطابق قانون است بدهند و اگر نیست ندهند، خوب در صورتیکه غرض و مرضی در کار نیست چرا آقایان وزراء قبول نمیکنند چون این يك چیز خوبی است که همه ما قبول داریم از این جهت بنده پیشنهاد کردم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اگر آقای فیروز آبادی در نظر داشته باشند بنده خودم این پیشنهاد را کردم نظر آقای وزیر مالیه را هم جلب کرده بودم چنانچه مذاکره شد در اینجا دو مسئله است، یکی عملی و یکی علمی مسئله عملی و اجرائیات را در واقع ما بجزانه دار سپردیم و عین این پیشنهاد در آن موضوع شده و مقصود شما را حاصل میکند، در باره این مستشار ما جنبه علمی قائل شده ایم، یعنی خواستیم از معلومات علمی این شخص استفاده کنیم از این جهت مقصود شما نامین است و عقیده دارم که پیشنهادتان را مسترد نفرمائید

فیروز آبادی - بنده مسترد میدارم بشرط آنکه در آنجا قید شود!

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده

(باین کیفیت خوانده شد)

پیشنهاد میکنم فقرات ذیل بماده سوم اضافه شود

۵ - تعیین و ترقی و تنزل و انتقال و عزل کلیه مستخدمین وزارت مالیه با رعایت مقررات قانون استخدام در حدود قوانین مملکتی.

۶ - تقشش کامل در کلیه مخارج مملکتی و اینکه وجوه پرداختی بمصارف واقعی خود برسد و مراقبت در جمع آوری عوارض و مالیاتها و عوائد کلیه مأمورین صاحب جمعی و وجوهیکه بموجب قرار دادها و امتیازات باید به دولت برسد (احتشامزاده)

رئیس - آقای احتشامزاده

اخیراً در وزارت مالیه يك وضعیت پیش آمده بود که بنده آن وضعیت را از تمام اشخاص با اطلاع تحقیق کردم به تصدیق همه يك وضعیت خیلی پسندیده است و آن: سیستم دو امضائی است. مطابق این سیستم تمام کارهایی که در وزارت مالیه صورت میگردد بجای يك امضا دو امضاء باید بشود. برای اینکه بتوانیم از يك نفر متخصص خارجی استفاده کنیم بنده معتقدم که يك اختیاراتی باو داد تا بتواند بر طبق اطلاعات علمی که دارد يك قدمهای عملی هم برای ما بردارد. بنده تصدیق میکنم که برای خزانه دار يك اختیاراتی قائل شده ایم ولی بنده معتقدم این اختیارات را باید بکسی داد که در رأس ادارات وزارت مالیه قرار بگیرد. برای اینکه يك حواله که از طرف مالیه صادر میشود آن کسی که محال علیه است اگر بنا شود يك اختیاراتی از خودش داشته باشد خیلی خوب است و آنوقت سیستم دوامضائی جاری خواهد شد هم آنکسیکه حواله میدهد هم آنکسیکه حواله را میپردازد هر دو باید يك اختیاراتی داشته باشند تا کار بخوبی جریان پیدا کرده و حسن مراقبت و نظارت در کار باشد تا اگر يك حواله ناصحیح مثلاً صادر شد آن شخص بتواند جلوش را بگیرد و نپردازد

باین جهت بنده معتقد هستم که باین متخصص عالی مقامی که میآوریم باید تا يك حدودی اختیارات در قسمت عزل و نصب و ترفیع و تنزل باو بدهیم. و یکی هم مسئله مراقبت است که در ضمن جمع آوری عوائد در کلیه مخارج مملکتی هم حق تقشش کامل داشته باشد. کرچه در ضمن لایحه همچو نوشته شده است که این اختیارات در حدود وظائف و تکالیف و بر عهده خزانه دار است ولی مسئله سر این است که (چنانچه عرض کردم) این اختیارات حقاً باید بکسی داده شود که در رأس ادارات مالیه قرار بگیرد و اینکه نماینده محترم آقای باسائی اظهار داشتند آن کسی که در رأس ادارات مالیه است باید مشغول و اوقاتش مصروف بکارهای مطالعاتی باشد و نسبتاً باید وقتش فارغ و از این گیر و دارها راحت باشد تا بتواند درست مطالعه کند و این اختیارات را باید دیگری داد تا بتواند این کارها را بخوبی صورت بدهد بنده گمان میکنم این مسئله باین شکل نتیجه خوشی نخواهد داد و همچو خیالی می کنم بهمان کسی که مشغول مطالعه است اگر بخود او يك اختیاراتی داده شود که در امور مالیه و اقتصادی ما ناظر باشد بهتر نتیجه خواهیم گرفت. زیرا آن وقت مطالعات علمی خودش را بهتر میتواند تطبیق کند با احتیاجات و وضعیات مملکتی ما و بهتر مورد استفاده خواهد شد. و اما اینکه آقای وزیر مالیه فرمودند ما سابق امتحان و تجربه کردیم و دیدیم خوب نتیجه نداد. بنده تصدیق میکنم که مستخدمین سابق مالی يك نواقصی داشته اند ولی باید دید که آن معایب را جمع بچه بوده است. راجع بان نبود که ما يك اختیاراتی بر رئیس سابق کل مالیه داده بودیم بلکه بعقیده بنده این معایب که متوجه رئیس کل مالیه سابق بوده از دو نقطه نظر بوده است یکی اینکه حقیقتاً اختیارات آنها خیلی زیاد بود اگر واقعاً در يك جائی او میخواست از اختیارات خودش سوء استفاده کند میتواندست و دولت و مجلس نمیتوانست جلو او را بگیرد. بنده آنچه که میدانم اینست که در

بعضی مواقع اگر وزیر مالیه وقت یا رئیس دولت وقت میدیدند که او از اختیارات خودش سوء استفاده میکند آنطور که لازم بود نمیتوانستند جلوگیری کنند (بکنفر از نمایندگان - نمیخواستند) و يك عیب دیگر بعقیده بنده این بود که برای تمام کارها ما رقتیم و از خارجه مستشار و متخصص آوردیم مثلاً برای امانت مالیه ریاست مالیه ابالات و ولایات هم از خارجه مستشار آوردیم و با این ترتیب بدیهی بود که آنها نسبت زیاد روی های همشهریهای خودشان يك تعصب های ملی بخرج میدادند و آنطوریکه لازم بود از زبانه روی های رفقای خودشان جلو گیری کنند نکردند و البته این برای مملکت مضر بود از این جهت در این لایحه جدید که برای متخصصین مالی بمجلس تقدیم شده این دو عیب را باید جلوگیری کرد ولی در عین حال بعقیده بنده باید يك اختیاراتی هم بانها داد تا بتوانند با موفقیت کار کنند و مملکت استفاده بدهند بنده باز هم عرض میکنم (تا آقای آقا سید یعقوب هم متوجه باشند و دیگر نفرمائند فلانکس لایحه را بخوانده و مطالعه نکرده) بهتر این است این اختیاراتی که برای خزانه دار در این جا معین کرده اند بکسی محول کنند که در رأس ادارات مالیه منصوب میشود و آنها همین مستشار است که ما میخواهیم از معلومات علمی او استفاده کنیم این عریاض بنده بود دیگر بسته بنظر آقایان است.

رئیس - آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا رفیع - بنده بر خلاف نظریه آقای آقا سید یعقوب عرض میکنم همچو معلوم میشود که آقای احتشامزاده این لایحه را خیلی بدقت مطالعه کرده اند برای اینکه بقدری پیشنهاد تهیه کرده اند اگر بجای این همه پیشنهاد يك دفعه میفرستند در هیئت وزراء و در آنجا با افکار عالی خودشان این لایحه را تنظیم میکردند بعقیده بنده خیلی بهتر بود. و ما هم در اینجا راحت میشدیم آقا اصراری دارند که به متخصص يك اختیارات

باید اختیار داد آقا این اختیارات داده شده منتهی بشخص دیگر خلاصه اینکه این لایحه طوری تنظیم شده که تمام ملاحظات در اطراف کار شده و از تمام مفاسد سابق هم جلوگیری میکند بهتر این است که آقا هم موافقت فرمایند که این لایحه زودتر بگذرد و تمام شود و برویم بی کار خودمان .

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد . آقابانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند ( دو سه نفر قیام نمودند )

رئیس - تصویب نشد . آقای زوار پیشنهاد کرده اند جلسه ختم شود .  
جمعی از نمایندگان - صحیح است

( مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد )

فوق العاده بدینم مثل سابق . ولی باید عرض کنم که این نظر بر خلاف نظریه ما است . بنده عرض کردم ( شاید سهو کردم و گفتم خواجه نظام الملک در صورتیکه مقصودم حکیم ابوالقاسم فردوسی بود ) که میخواست کتاب شاهنامه را بنویسد بالاخره سلطان وقت که سلطان محمود بود او را نزد خود خواند و تمام وسائل راحتی را برای او ترتیب داد و او را بنحود مشغول داشت تا از او استفاده کنند ما هم يك نفر متخصص میخواهیم که همینطور باشد یعنی ما باید تمام وسائل راحتی خیالش را فراهم کنیم و او هم بنشیند و افکار خودش را در تحت لایحه و پروژه در آورده و بماند و ما هم از آن استفاده کنیم دولت هم آنها را بمجلس بیاورد و در اینجا تصویب کنیم شما هم میفرمائید

## قانون

تمدید اختیارات آقای مهدیقلی خان هدایت رئیس کل مالیه بمدت سه ماه

مصوب بیست و چهارم دیماه یکهزار و سیصد و شش شمسی

ماده واحده - مجلس شورای ملی از تاریخ ششم دیماه ۱۳۰۶ تا سه ماه دیگر مدلول قانون ۲۵ مهرماه ۱۳۰۶ را بموجب آن اختیارات مندرجه در قانون اسد ۱۳۰۱ با آقای مهدیقلیخان هدایت رئیس الوزراء واگذار شده بود تمدید میکند

تبصره - دولت مکلف است قبل از انقضای مدت فوق استخدام خزانه دار را تمام کرده مشغول کار شود و پس از اشتغال خزانه داری اختیارات رئیس مالیه ملغی خواهد بود .

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه بیست و چهارم دیماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید  
رئیس مجلس شورای ملی : حسین پیرنیا